



## شکست توام باشندگان ابدی در کمین توطئه گران علیه مشر و طیت...

آنها که از تشتت و تشنج مجلس زوال  
مشر و طیت و انقرض حکومتی را استنتاج  
می‌کنند این آرزو را با خود به نزد امیر بهادرها  
و مجاهد علی میرزاها بگوی خواهند برد...

آقای دکتر بیانی برای بردگویی اعمال جنایتکاران خود به  
کمک کشیده این افراد مهواهد جنگ شیخی و ازی و بهائی  
را از مجلس آغاز کرده و به اکتفای کشور بکشاند ولی غافل از  
اینست که هلت هشیار ایران این نطفه‌های حرام ازده را در چنین

خنده خواهد کرد...

میر افراطی حلقوم پاک و کل واپسی به نهضت ملی را گرفت را ورا در وسط  
طلایاره و مجلس دریش چشم صدماً نشاند و دمه را ورزنه نکار داخلی و خارجی  
منسوب کرد...

لوگوشی امیر بهادر هم بیاد نجد مرسوم شیال و کوپال غول آسرا  
بیان گود اندخت و بیه مسکاری میراشرافی از آزادی و مشروطیت نزه چشم

کوت ... و همین ... ولی ... شیخ قات آبادی همیکار ناشست او بین مشتی ذوق‌گذاری الداخت و  
نمایند و درج زده و کالبد ملاشی شده مرحوم میربیمه مد طباطبائی و مرحوم

سید مبداله بهبهانی را به لزمه الداخت ... چنین است امانت داردی قات آبادی  
هایکه با این وضع نشین امانت داکه مردمون بیهانی و طباطبائی دشمن آشنا

نایبر امیر بهادرها و ایغوفها و دشایشان های پستان سپرده‌اند بهیکار فریلان

مشروطیت و آزادی ملتها و به اعماصه و سپریلای پاک هیکار توطئه چی و هیانی

خود می‌نمایند ...

لهای در صفحه ۴

## مسقرهارب گشیش انگلیسی و دکتر گلهن طبیب انگلیسی بیهارستان مسیحی مرسلین

شیراز برعایه دولت تحریک می‌کنند

ما ازدواج شارجه و شیرازی کل  
هر ازدواجی بانی کشود به این جا وسان  
انگلیسی برانه نهاد من مدد تاب سید

کشور تجهیز می‌کنند که از دست دکتر  
می‌دهند چهار سالان اکایشی منزه و دلاظ  
جنوب کشود، اخانین و مان هدست شده و  
مرجع راهنمایی های آنایان برای اینجاد

بلوار آشوب برعلیه دولت ملی گردند.  
مکر کشیش اشیلیسی خارب و دکتر

کلم در شیراز مردمانی فیرا مسیحی توپیش  
چاهه س کشیش اشیلیسی در ازمان هستند  
مکرده از خیانت ملکه اشیلیان مملکت

این مردان خدارا اقتطع برای دعا خواندن  
و ممالکه کردن مردم به فارس فرستاده است  
و بیا شهر بانی و مقامات انتظامی ماتوقع

دارند که این جا وسان و میان ذر دست  
اداره‌ها و امور ایستعفار از ملکه اشیلی  
و طبیعه کشود ماراد هده نفع بیان

کشیش طبیعی قاتم ایاند،

از دیشب روحی فماینده کرمان بعلت دستور فیر قانونی دیپر مجلس در مجلس هنوز شد

## کاشانی از روحی خواهش کرد در جلسه شرکت نکند

ولی روحی تقاضای ایشان را رد کرد. امر وزر روحی در جلسه علنی شرکت

می‌کنند. نمایندگان فراکسیون نهضت ملی هر گونه توهین مخالفین را شدیداً پاسخ خواهند

داد = دیشب دکتر سنجابی، اخگر، جلالی، شاپوری، هچلزاده و روحی برای نقطه قبل از دستور

در مجلس خواهند - روحی گفت تا پای جان ایستادگی خواهی کرد - پاک کشی ۲۴ هزار تن، زانی

همراه اکتشی می‌سومارو با ایران می‌اید - پانزده روز دیگر چهار نهضت ملکه ایانی ای وارد آبادان  
پیشوند - نخست وزیر آینده هم معلوم شد - که ویون تثبیت فرخ از طلاقهای خود را ادامه میدهد  
موجودی قدوشکر در ابشار تهران برای هصرف کانی است. تزلیق قیمت شاهد

پیه در صفحه ۴

ما ازدواج شارجه و شیرازی کل  
هر ازدواجی بانی کشود به این جا وسان  
انگلیسی برانه نهاد من مدد تاب سید

کشور تجهیز می‌کنند که از دست دکتر  
می‌دهند چهار سالان اکایشی منزه و دلاظ  
جنوب کشود، اخانین و مان هدست شده و  
مرجع راهنمایی های آنایان برای اینجاد

بلوار آشوب برعلیه دولت ملی گردند.  
مکر کشیش اشیلیسی خارب و دکتر

کلم در شیراز مردمانی فیرا مسیحی توپیش  
چاهه س کشیش اشیلیسی در ازمان هستند  
مکرده از خیانت ملکه اشیلیان مملکت

این مردان خدارا اقتطع برای دعا خواندن  
و ممالکه کردن مردم به فارس فرستاده است  
و بیا شهر بانی و مقامات انتظامی ماتوقع

دارند که این جا وسان و میان ذر دست  
اداره‌ها و امور ایستعفار از ملکه اشیلی  
و طبیعه کشود ماراد هده نفع بیان

کشیش طبیعی قاتم ایاند،

پیه در صفحه ۴

## طرد شدگان از پیشگاه ملت

داغ باطله خورددها

دزدها، جانی‌ها، خالدارها، چاقو گشها  
گوچکتر از آندگاه بتوانند چرخ تاریخ

را مهواهند برخ - لاف می‌رمد بانکه بیچند قرقا

فراری دیگناری را زندگانند چزه رک و نک و تقرت جیزی  
انخی اهند برد

روستاگری هظیم شروع شده است،

ملش مای خواسته است بیزدی آغاز کردید

این وشنگز این بیزدی ایزدی آنی، ایزدی آنی

بانه کشیدش داده شد تا اعماق تاریکترین

بیرونی‌ها تا نادل دزور از تاده، تین قصبات، طوف

هه محرومین هم دهستانان تمام کارکران

برای بیرونی رساندن این بیکار بیانی

خواسته اند، بیانی خواسته اند تاریخه بوسیده

روزگرمه خود بکشند و محبیطی

اعلامیه ای، خود سر کار امتدادهای آن

پهش مسیحه هستید توسط چند نزدیک

پیش من چیانه هد حقیر خالی از ذهن

تایپستهای اهلیه متوجه شدم بی اندیشه

متاثر و پیاراده و بیزدی در دوست اهل‌الله را

بیه در صفحه ۴

روزنامه هاده نیویسند: خواهیم بود و انسانی همایان و رهسته ای خواهیم دید

ملت می‌گویند: هستیم و اضمحلال عوام فریان و رشکته را

می‌یشیم

## محفویات کیف دکتر بقائی،

لیکار اطلاع موئی که رسیده است محفویات

کیف کندازی دکتر بقائی که در جلسه یکشنبه گذشته

همراه او بوده و در روزنامه شاهد در باره اهمیت

آنها داد سخن داده شد، بود عبارت از اوراقی

که از حیب مرحوم اشاره طویس در آمد است و نیز

لیکار اخبار موئی خاصه شخص دکتر بقائی هر دو

است که آیا این اوراق را پشت آریون مجلس آنلای

کنند بهتر است یاد ریشه ای داده شاهد

روزنامه هاده نیویسند: خواهیم بود و انسانی همایان و رهسته ای خواهیم دید

ملت می‌گویند: هستیم و اضمحلال عوام فریان و رشکته را

می‌یشیم

کارگران ملی، آبادانی کارخانه چیت سازی را بکار اولیه برگردانید



The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.





چون بجهت بحث میردم و از رست و دادغ نیست با تمام باران و هر بران آنها را  
دینو سپله دادع میکویم و دیاد آنها را هر آراء با محنت ها و مصیبت هایی که نسبت  
من داشته اند تو شه سفر میکنم و آرزویم دیدار مجدد ایشان است  
فریدون - کار

## طرد شده‌گان

آقای دکتر بقایی آقای کاشانی این  
امنیت‌هایی که شما پنهان و تاریخ میدهیدم  
آن سرد کویدن است. مردم ایران  
دیگران را نزدیک کرده‌اند و نباید اند  
الآخر کت تاریخی خود در فطر نباشد تا  
به یادش همآ آقای دکتر بقایی چگونه می‌  
خواسته‌اید با کمال مرتضی‌ها و منزه‌ها و دوست  
هز برای خطاپی بلکه کایسه دمه کرایه  
نشکل دهید.  
جناب آقای کاشانی ملت ایران (همان

درست استعداد در ایران از نراق میکردد  
وبابل و ذور شرکت سابق برمددم ما  
سکونت میکردد و از پندت‌من ملت را بر  
خلاف رفعه خوشی میدیند برای اینکه  
جلوی این سیل خوشان را سد سازند  
برای اینکه پنهان صباخی اختشم و در این‌های  
خوبیش جلو گیری کنند با ازاع و اقسام حیل  
به کلیه وسائل و تزیین هایی که  
در مکتب ادبیات لیریک باز خود

پهلوان آن و نیل واپسی به بخش ملی نشستند و امن منظره نمک آور را شناخته کردند و خوش رسانی خود را حلقت نمودند و کسی نمک نمک کرد که چرا فریاد نمایند همین آنوقت مسلمین قنات آبادیها و از بیان میر اخراجی ها و لیستمهای بادری هام این جریان را پهلوان مرکز شرط و طبقت کاشته و در دل قند و یادم گرد و دشکستند و در هزار آزادی هام بگرفته و مجلس آراستند و هادیها کردند نامه ها نوشتند و پاران رفته را خبر کردند که چه رفتند اید دم آب خوردند پس از بمسکال به از سر هنرآور هشتاد سال و همین <sup>۱۱</sup>

اما ذهنی مغلظت و ندانی، زمی بیدعیتی و تیره دروزی که از اذلابلی هنگامی های ساختگی بهارستان مرکز مشروطیت را می پینندگی از خلاص توده های مردم در هم فشرده و مستهشای کرده با غریب هایی لرزاند و قدم های کوینده چوبه های دار و پیچه های گرد و گوتین را که در انتظار آن گرفتمند های متبرد و پیازدان و دکل انگن های پیش می پنهان نمی پیننده آخرا نهایا حق داردند زیرا در خواپند و خواب می پینند ولی نمره های مردم و بوره های سیل آسای می شوند یهادی است ... آنها کمی گویند (بلی همین و همین) ... در اشتباه خطرا نکی، البته خطرا نکی برای موجودات خود را نمودند و فرق نداشان بسرمیزی لد، اشتباهمی که نیز دوال همیکی خود و هر اماشان تمام طواوه هد ...  
لکه پیغمبر فتوحت که کویا پیشگفت مظالم الدین شاه بوده است نقل میکرد که:

روزی از روزها که پیش از این روزهای بود، بود دیدم مرحومین سه عده ای را به پیش ایام شرط و میتوانستم با آنها ملاقات نداشتم. درین روزهای خارج شده و خطاب به مادر اعظم من گفتند (حضرت) والاهه و تو هرچه هم استفانت کنید بالاخره ما مشروطه را پیکربریم (والی امر و زهم) کوتان آن مرحومین؛ همکاری بازمانده کان امیر بهادرها، پیشتبانی و ای دهنده کان به حکومت منشی هنرال علوی، به ملت و دستان فروپه کرد و میکوئیند (ماقول داده ایم) که مشروطیت را از ملت کرته و شار خاکی هاشمیان مظفر الدین شاه (ناصیر) ولی آن پیر مرد اضافه میکرد که: «نم کسان نیکتنم که این هم کوتان مرحوم طباطبائی قصد شار مشروطیت به خاکی هاشمیان مظفر الدین شاه را باهشت پلک میخواهند ازان پنچ آغاز اراده های خود و برای اداء دادن به نوصیه بازیها و حکومت سهاه خود استفاده نزد و سختی در این راه حفظ شروع را مسونی هاشمیان مظفر الدین شاه را هم چتر حواهنه اند است» ۰۰۰

پلی آنای - پرا اخرا ی - آنای بیداری - آنای خنات آبادی و آنای بقای  
دآنای ... و در هصری زندگی میکنیده دستی بارانه کان هصر مظلومه الدین شاه  
اين طور ممکنستند، در هصری زندگی میکنیده سوانحها ازشور زندگی آزاد شتی  
در دربار و مغروات داشتند و امامت يك زنداني تلقی میکنند، در هصری زندگی  
من کنیده با پربره ها و گرمه ها و گلوله های آتشین را با آخوش یا استقبال گرده و  
مرک بر اتفاقدار یزندگی نشکن و هصری شناسچیم میدهدن ،  
در هصری زندگی میکنیده که مرد آن هصر تاریخ مناصر خود و ادربات چله  
«پامرك یا آزادی» خلاصه گرده انه و هر کس هم يك نسخه از این تاریخ را  
در دست گرفته است ...  
آفایان شاینه کان فرا کسیون نهشت ملى ....

خوبی و سکوت های ای، هنایاین آنها کو که باقیست، باعث دیند  
اگون و دی سعن باهast ....

از هلن عامه میمدو استند مذاکرات مجلس مستنبا از دادبو پيش شود بسیار غایل تقدیر است،  
ولی اینرا ایده که وقتی که مردم خبر کنک زدن هاونش دادن هایبر اک  
آفای میور شرافی اتهام داده اند من هنونه چرتازه ای شنبه اند (پیرامون پندر  
لزوم این آفایان را می خنستند ...)  
آفایان مراتب هایبر ای حلظ آبرو و حیثیت نهضت ملی بجای خود بسیار  
بسپریده و غایل تکریم است ولی مانطردیکه آفایان معاشرین و دهستان نهضت ملی  
باشد امروز نهضت ملت درس صفت گرفته و در آن حساب کنندگ شاهانه: ملایمه

پیش از آنکه بزرگ شود، هر چند که در این حساب نماید، مساحت پیرامون این دیدگاه را بزرگ نماید.

خواسته دی های ها قله هش خاکه شد از در میان ریزین های سبز است این بیان  
است که بحث خود را تا آنچه بسط در ترسه دهد که دیگر مسته شناسانی مغایلین و  
رسوانی آنبار در دیگر مسائل درجه سوم و هجدهم قرار نمیرد ...

مردم، موکبین ها، پشتیبانان ها درین حال که بیارادات شارا که در سکریوپارستان میکنند میتوانند از ها، نظاره دارند که بوضع آنها را برای انتها پنهان و نظر نداشتن چشمی باشند و کشته قاتل و کشته همین اوضاع را در زاده نداشند.

خواهند و پیکار برای همیشه باشند اولویتی بازی های مغایلین تهشت آنها را باشان بدهید که دیگر کسی را حتی مجبول و ممکن تکر در بیاره مها فنا نفت با آزادی را یافته نباشد.... آقایان محترم .... مردم این مناقب روزگار استخانه اند، و دیگر هم حوصله

مبارزه سیاسی و پارلائی با آنها را نهادند، مردم پهلوی میارند که اختیارات دوره اول مجلس شورای اسلامی را چکوئه ایجاد داده‌اند امروز هم اینجا آن چنان اختیارات را بدهند اینکه وقتی تلفت شود پارلمانیستی برای منافقین روشنان خلق برای

اصلی بالی پیانه از آب خوردن هم آسماش تلقی میکنند ...  
انجہ سلم است ایشت ک مردم نصیب دارند آزادی و مشروطیت واقعی  
خود را بیرنگیتی ک پایش و لواطرین دو همشختن مقررات و سنت هایی که مورد

نوار از هنگال حمالت و فضای سردم امکان پذیر نخواهد بود میتواند آشوبی به نام چنل شیخی و اولی و بهاری در این مملکت بیا کند، ... میتواند خون اشغال طوس را با خون هایی پیشتری پامال کند، ایشان که دست خود را لایده بدهون می بینند

دیگر و امهای از اینکه در دریای خون شناختند ندارد... ولی ایشان نیدیانند که خود پیارا شان در میان آن دریا غرق شده و این توههای مرد، این کشور است که با تفاهی استوار از میان آن دریای خون بیرون بدر. آمده دکتر بقایی و

حایمین منافق اورا با لبست ایدی یادخواهد کرد ...  
اقایان نایانه کان فرا کسپون نهضت ملی: چناب آقای دکتر مصدق ...  
نهال نهضت ملی مردم آپنائان تقویت و پیشیدار شده است که میتواند بایخانل

راحت هر گونه تنہ بادی را استقبال نمایند احالت و منع چنیش میهن برستان به درجه ای است که امکان مداخله و اختلاط کری را از بیکانه برستان سلب نموده است؛ هشتماً و تا کابک هایی دردهسترس ملت ایران موجود است که بیتواند بدون اینکه

مورد تیاور ز راهبران چهار درست فرار کهده بر اهی که زمان دریس پای او گذاشت  
است ادامه دهد.... آقایان  
اکنون ملت پیشوای است، پایک دست این بی پرستانی را که با عمله انتلافی

نهاده تجاوز به نهضت او و نقصان آنده کرون دامان یاک اورا دارند می کوبید و با  
دست و پیکر ریشه مناقبین و مهداللهین و پیر کران و مدانهین شرکت سابق را ازین ویخ  
می اندازد، این نهروزی لاپزال ملت است که می خواهد سرنشست شود را تعویض کرده و